



نصرالله صالحی

۳۸. فتحنامه ایروان. این اثر در سال ۱۹۷۰ از سوی محمدمنیر آق تپه تصحیح و همراه با متن اصلی در استانبول منتشر شده است. تا آنجا که نگارنده آگاهی دارد تنها مرحوم ریاحی در زیرنویس کتاب خود به این اثر اشاره کرده^۲ و لذا هنوز مورد توجه و استفاده پژوهشگران علاقمند به پایان عصر صفوی قرار نگرفته است. این اثر در نوع خود منبعی اختصاصی و تک‌نگاری ارزشمندی است که به صورت روز به روز گزارشی جامع از چگونگی یورش سپاه عثمانی به قلمرو ایران در قفقاز و روند محاصره طولانی ایروان و سرانجام تصرف این شهر را در اختیار می‌گذارد.

چنان‌که می‌دانیم دولتمردان عثمانی از سلطان احمد سوم و صدراعظم او، داماد ابراهیم پاشا نوشهری^۳ گرفته تا بقیه رجال سیاسی و نظامی آن دولت با اعزام درّی احمد افندی به ایران و بعد از بازگشت او به استانبول با دقت و کنجکاوی تمام اوضاع داخلی ایران را رصد می‌کردند. آنها با گزارش‌هایی که از عوامل خود از اوضاع و احوال ایران دریافت می‌کردند، هر روز دندان طمع را تیزتر می‌کردند و منتظر فرصت بودند تا با سقوط اصفهان یورش همه‌جانبه خود را به مرزهای ایران آغاز کنند. نیت اصلی

با سقوط دولت صفویه به سال ۱۷۲۳/۱۱۳۵ که منجر به پایان اقتدار ایران شد، فرصت مناسبی برای دو کشور روسیه و عثمانی برای تجاوز و تصرف بخش‌هایی از خاک ایران فراهم شد. دولت عثمانی از سه جبهه به قلمرو ایران تجاوز کرد: والی بغداد، حسن پاشا ایوبی، سرعسکر منطقه عراق عجم و فرزندش احمد پاشا، والی بصره، مناطق مهمی در کرمانشاه، سنندج، لرستان تا همدان را به تصرف درآوردند. از جبهه میانی عبدالله پاشا کوپرولی زاده و علی پاشا حکیم اوغلو اقدام به تصرف تبریز کردند. در جبهه شمالی، عارفی احمد پاشا مأمور تصرف قلعه ایروان شد. در میان سپاه عثمانی، مثل همیشه افرادی که موظف به ثبت و ضبط وقایع جنگ بودند، وجود داشتند. یکی از این افراد، سلحشور خاصه کمانی مصطفی آغا است. راجع به زندگی او آگاهی زیادی در دست نیست. همین قدر می‌دانیم که وی به دستور سلطان احمد سوم در ۲۹ می ۱۷۲۴/۶/۱۱۳۶ از استانبول خارج شده و خط همایون احمد سوم و برخی مکتوبات درباره ضرورت تصرف قلعه ایروان را همراه آورده و در ۱۷ ژوئن ۱۷۲۴/۲۵/۱۱۳۶ با عارفی احمد پاشا دیدار کرده و او را تا زمان محاصره و تصرف ایروان همراهی کرده است. وی جریان هجوم سپاه عثمانی به قفقاز و تصرف ایروان (۱۷۲۴/۱۱۳۶) را در رساله کوچکی به نام «روان فتحنامه‌سی» با جزئیات به صورت مفصل به رشته تحریر درآورده است.^۱

درباره روابط ایران و عثمانی به چاپ رسیده است. با این مشخصات:

M. Münir Aktepe: Osmanlı – İran Münasebetleri (1720-1724)

Ve Silahşör kemani Mustafa Ağa'nin Revan Fetih-Namesi, İst. Üniversitesi Edebiyat Fak. Yayınları, İstanbul, 1970.

۲ ریاحی، همان، ص ۶۲.

۳ برای آگاهی از زندگی، آثار و اقدامات او نک: دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۷،

۳۸-۴۰.

۱ این اثر نخستین بار در سال ۱۹۷۰ با توسط منیر آق تپه تصحیح و همراه با مقدمه‌ای

دولتمردان عثمانی چنانکه مورخان و پژوهشگران ترک گفته‌اند چیزی نبود جز جبران شکست‌هایی که در اروپا متحمل شده و بخشهایی از قلمرو امپراتوری‌شان را به موجب معاهده پاساروویتس^۴ از دست داده بودند. از این رو، درست پنج ماه و نیم پیش از سقوط اصفهان، به دستور سلطان احمد سوم، دیوان عالی برای رایزنی و تصمیم‌گیری نهایی به منظور اعلام جنگ به ایران در ۲۹ رجب ۱۱۳۴ در استانبول تشکیل شد. در این جلسه تصمیم نهایی برای آغاز جنگ با ایران گرفته و دلایل آن به فرماندهان نظامی ابلاغ شد و به والیان بغداد، بصره، موصل، وان و ارزروم دستور داده شد که آمادگی جنگی داشته باشند.^۵ والی ارزروم اجازه خواست که فوراً جنگ را آغاز کند، اما احمد سوم جواب داد: «مادامی که دارالملک ایران، اصفهان، هنوز سقوط نکرده است، و تازمانی که فرمان همایونم به تجاوز به خاک ایران از جانب دولت عالی‌ام صادر نشده است، از جای خود حرکت نکنید، اما به محض اینکه اصفهان سقوط کرد، در پیشروی به قلمرو ایران درنگ نکنید...».^۶ فرماندهان عثمانی با تبعیت کامل از این فرمان دست به تعرض نزدند و منتظر فرصت ماندند و درست چند روز بعد از سقوط اصفهان در ۱۴ محرم ۱۱۳۵ یورش همه جانبه خود را از سه جبهه به سوی ایران، تبریز و همدان آغاز کردند. بدین ترتیب بعد از حدود صد سال از قرارداد صلح زهاب که ایرانی‌ها از تجاوزات گاه و بیگاه عثمانیان آسوده‌خاطر بودند، یک بار دیگر طعم تلخ تجاوز، ویرانی و کشتار سپاه عثمانی را چشیدند. البته روس‌ها نیز همزمان همین رویه را در پیش گرفته، از جبهه‌های مختلف مرزهای شمالی و شمال غربی ایران را آماج حملات خود قرار دادند.

سپاهیان عثمانی مثل همیشه در لشکرکشی‌های خود ارباب‌قلم را نیز با خود همراه می‌کردند تا گزارش‌هایی دقیق و مستند و روز به روز از جریان تهاجمات خود به رشته تحریر درآورند. البته این امر کمک زیادی به ثبت دقیق وقایع مربوط به یورش‌های عثمانی به مرزهای ایران کرده است. یکی از همین گزارش‌ها، «فتحنامهٔ ایروان» است که به قلم سلحشور خاصه کمانی مصطفی آغا، که با مأموریت ویژه از سوی احمد سوم نزد

4 Passarofça (Passaroviç)

۵ نک: ریاحی، همان، ص ۵۸.

۶ نک: مقدمهٔ آق‌تپه در فتحنامهٔ ایروان، ص ۳۲.

سرعسکر عثمانی، عارفی احمدپاشا، اعزام شده بود و از ابتدای لشکرکشی او به ایروان تا هنگام تصرف این شهر در کنار او بود، به رشتهٔ تحریر درآمده است. این اثر چنانکه پیشتر گفته شد منبع دست اول و اختصاصی منحصر به فردی است که آگاهی‌های آن مورد استفاده دیگر مورخان عثمانی قرار گرفته است. ارزش و اهمیت چنین تک‌نگاری‌های اختصاصی زمانی بیشتر دانسته می‌شود که بدانیم اولاً اثر مشابهی به زبان فارسی در میان نیست، و در ثانی، تاریخ‌های باقی‌مانده از دورهٔ سقوط صفویان نیز با فاقد هرگونه آگاهی دربارهٔ یورش عثمانی به ایروان و محاصره و تصرف این شهر هستند و یا اینکه اطلاعات آنها بسیار ناچیز و فاقد اعتبار است.^۷

نویسنده، وقایع ۹۲ روز محاصرهٔ ایروان و سرانجام تصرف آن را با بیانی بسیار ساده و بدون حشو و زوائد گزارش کرده است. این گزارش تفصیلی و اختصاصی از یک رویداد خاص یعنی واقعهٔ محاصرهٔ ایروان و سرانجام آن می‌تواند به عنوان یک منبع مستند و منحصر به فرد تلقی شود. آگاهی‌های موجود در این منبع، در هیچ اثر دیگری قابل دسترسی نیست. به همین دلیل جایگاه چنین منابعی در پژوهش‌های تاریخی بی‌بدیل و بی‌همتا است.^۸ از این روست که دیگر مورخان عثمانی هم عصر این واقعه که خود از نزدیک شاهد رویداد نبوده‌اند، آگاهی‌های خود را از چنین منابع اختصاصی اخذ کرده‌اند. کما اینکه آق‌تپه معتقد است کوچک چلبی‌زاده اسماعیل عاصم افندی در تألیف اثر خود از این منبع به عنوان منبع اصلی بهره برده است.^۹ فتحنامهٔ ایروان با وجود حجم کم، یک اثر مستقل و جامع‌الاطراف دربارهٔ لشکرکشی عثمانی به قفقاز و فتح ایروان و شکست صفویان به حساب می‌آید. نویسنده گزارش خود را به صورت دقیق و روز به روز به تنظیم و تدوین کرده است، به گونه‌ای که با مطالعهٔ آن می‌توان به تصویری روشن از مقاومت و نبرد قزلباشان محصور در قلعه با لشکریان عثمانی دست یافت. جدای از آن، با ورود در جزئیات این اثر می‌توان

۷ در این زمینه نک: مقدمهٔ نگارنده بر فتحنامهٔ ایروان، ص ۱۵-۱۰.

۸ تا آنجا که نگارنده سراغ دارد در خصوص نبرد صفویان و عثمانیان بر سر ایروان در ۱۱۳۷ قمری، کار پژوهشی مستقلی صورت نگرفته است. انتشار چنین منابعی راه را برای انجام پژوهش‌های مستند به منابع و مدارک اصیل فراهم می‌کند. از طرف دیگر، انتشار این دست منابع، در حقیقت پاسخی است به پژوهش‌های غیرمستند و توأم با تحریف.

۹ نک: به مقدمهٔ آق‌تپه در فتحنامهٔ ایروان، ص ۴۹-۴۸.

واقع شد

- خروج حاکم ایروان، علی قلی خان، از شهر و تسلیم کلیدهای شهر به سرعسکر عثمانی
- گزارش چگونگی تخلیه شهر و نیز ورود سران و سپاه عثمانی به داخل شهر در ۱۸ محرم ۱۱۳۷
فتحنامه ایروان در سال ۱۳۹۴ به فارسی ترجمه و همراه با سه پیوست منتشر شده است: نخست «سال‌شمار روابط ایران و عثمانی در فاصله سال‌های ۱۱۳۰ تا ۱۱۳۷»، پیوست دوم و سوم شامل دو مقاله مستقل مرتبط با موضوع کتاب: نخست مقاله «تأمین و وسایل نقلیه در سفرهای نظامی ایران...» که دارای اطلاعات جزئی، دقیق و ارزشمندی درباره چگونگی تأمین و وسایل نقلیه در لشکرکشی‌های عثمانی به سوی مرزهای ایران است. مقاله دوم با عنوان «تدارکات نظامی دولت عثمانی برای جنگ با ایران...» نیز حاوی آگاهی‌های درخور توجهی درباره چگونگی فراهم آمدن مقدمات جنگ و تهیه و تدارک و وسایل جنگی و دشواریهای مربوط به لشکرکشی‌های عثمانی در جنگ با ایران است.

منابع

- سلحشور خاصه کمانی مصطفی آغا، فتحنامه ایروان (روابط ایران و عثمانی در آستانه برافتادن صفویان، ۱۱۳۲-۱۱۳۷ هجری قمری)، تصحیح و مقدمه، محمدمنیر آق تپه، ترجمه از ترکی عثمانی، مقدمه، توضیحات و پیوست‌ها: نصرالله صالحی - صفیه خدیو، تهران، طهوری، ۱۳۹۴.
- محمدامین ریاحی، سفارت نامه‌های ایران (گزارش‌های مسافرت و مأموریت سفیران عثمانی در ایران)، توس: تهران ۱۳۶۸.
- نصرالله صالحی، «درّی افندی»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۷.
- M. Münir Aktepe: Osmanlı - Iran Münasebetleri (1720-1724) Ve Silahşör kemani Mustafa Ağa'nın Revan Fetih-Namesi, İst. Üniversitesi Edebiyat Fak. Yayınları, İstanbul, 1970.
- M. Münir Aktepe: "Hassa Silahşörlardan kemani Mustafa Ağa'nın Revan Fetih-Namesi" VII. Türk Tarih Kongresi, II, Ankara 1973, s.542-547.

آگاهی‌های ارزشمند متعددی به دست آورد. همچون:

- شمار تقریبی کشته‌ها و زخمی‌های دو طرف نبرد
- انواع اسباب و ادوات نظامی مورد استفاده نظیر توپ، خمپاره و تفنگ و ...
- چگونگی ساخت استحکامات نظامی نظیر خندق، سنگر، نقب و ...
- توصیف شهر ایروان به‌ویژه موقعیت جغرافیایی آن
- ترکیب جمعیتی شهر، هرچند تنها یک بار به وجود ارامنه در قلعه اشاره کرده و غالباً قلعه‌نشینان را قزلباش توصیف کرده است
- اسامی و مشخصات افراد سرشناس و بزرگان ایروان از حاکم شهر گرفته تا شیخ الاسلام و دیگر مقامات شهر
- اخبار متعدد از دستگیری جاسوسان قزلباش و کسب اطلاعات از آنها
- گزارش‌های مربوط به فرار برخی افراد از دورن قلعه و اظهار وضعیت وخیم مردم از لحاظ معیشت
- نامه‌نگارهای مکرر از درون و بیرون قلعه و نیز انجام مذاکرات متعدد میان نمایندگان محصورین در قلعه با سران سپاه عثمانی
- خبر دریافت متن فرمان همایون مبنی بر استقامت در محاصره ایروان تا فتح نهایی آن
- گزارش اخبار جنگ میان سپاه عثمانی و قزلباش‌ها در دیگر جبهه‌های نبرد در نخجوان و اردوباد و انتقال این اخبار به محصورین قلعه برای تضعیف روحیه آنها
- درخواست امان از سوی محصورین قلعه با قید زمانی مشخص و نپذیرفتن آن از سوی سران سپاه عثمانی
- به نتیجه نرسیدن مذاکره و نامه‌نگاری برای چندمین بار و ادامه نبرد میان دو طرف
- به سرانجام رسیدن مذاکره برای تسلیم قلعه با قید شرایط مورد رضایت قلعه‌نشینان
- درج متن امان‌نامه که محتوای آن مورد پذیرش قلعه‌نشینان

